

## سیره / سیره پژوهی و تنگنای کارآمدی در دنیای امروز

سیدعلیرضا واسعی<sup>۱</sup>پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیعسال اول، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۸

## چکیده

سیره و سنت پیشوایان، به عنوان بهترین سبک زندگی، در دهه‌های اخیر، به ویژه به اقتضای نیاز حکومت دینی، سخت مورد استقبال قرار گرفته و به دنبال آن، نهادها و مراکزی نیز بدین منظور اختصاص یافته است، با این همه و با وجود استقبال روز افزون نسبت به آیین‌ها و مناسک مذهبی به عنوان مظاهر دینداری، سیره و سیره پژوهی به دلایلی همچنان از جایگاه مقبولی برخوردار نیست: در پژوهش‌ها، نوآوری‌های نظریه محور و متناسب با مسأله‌ها / نیازهای زمانه کمتر به چشم می‌خورد و غالباً از ادبیات علمی روزآمد دورند. چرا سیره/سیره پژوهی در حیات فردی و اجتماعی جامعه شیعی ایران، به ویژه نسل جدید، کمتر حضور مؤثر و مشهود دارد؟ در این مقاله کوشش شده است تا با روش تحلیلی انتقادی، موضوع بررسی و راهکاری اندیشیده شود. فرضیه این است که سبب بنیادین ناکارآمدی مطالعات سیره‌ای، عقب ماندن از تغییرات پرشتاب دنیای امروز یا عدم تناسب آنها با تحول خواهی/ ثبات‌گریزی است و رهایی از این وضعیت، در شناخت هر چه بیشتر زمانه و اقتضاءهای آن و سرانجام ارائه پاسخ‌های متناسب است. گر چه سیره و چیستی و حتی اهمیت آن، موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده، از زاویه، کمتر به آن پرداخته شده است.

## کلید واژه‌ها:

سیره پژوهی، دنیای امروز، تحول‌فزاینده، پیشوایان معصوم، الگوی دینی، ثبات‌گریزی.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. A.vasei@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۲

## الف: درآمد

سیره/ سنت، با وجود گفت و گوهایی که درباره آن جریان داشته (رک. شرفی، ۲۷-۳۳)، در کنار قرآن کریم، از ابتدا به عنوان یکی از منابع مهم اسلامی، مورد توجه عالمان و دین داران، به ویژه در حوزه فقه / شریعت قرار داشته است. ایشان کوشش می کردند تا از طریق علم رجال و درایه (طباطبایی، ۹۴)، کنش های رسول خدا ﷺ - و در میان شیعه، ائمه علیهم السلام - را به دست آورده و بر اساس آن به بیان حکم دینی بپردازند. بنابراین، سیره<sup>۱</sup> دارای مفهومی گسترده و به تعبیر کاهن، متضمن سلوک و رفتار است (کاهن، ۱۵۷). توجه به جنبه های عملی / سبک زندگی آن بزرگان نیز اهمیتی ویژه دارد: با این رویکرد، فهم درست اسلام و اتخاذ الگوی کامل زندگی دینی، تنها از این طریق میسر و پذیرفتنی است و زیست درست مسلمانی، به اتخاذ شیوه و سبک زندگی پیشوایان بستگی دارد.

بنابراین، مقتضی آن بود که زوایا و جزئیات زندگی آنان هر چه بیشتر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته و متناسب با نیازهای زیستی پیروانشان عرضه شود. از این رو گاه جزئی ترین مسائل زندگی پیشوایان حتی در امور خصوصی زندگی نیز آشکار شد تا هر چه بهتر بتوان به طرز مطلوب دینی زندگی کرد؛ گذشته از کلان نگری ها یا کلی نگری هایی که در لابه لای کتب تاریخی آمده است.

هم از این روی، سیره پژوهی، به عنوان یکی از امور دینی اعتباری خاص یافت. به ویژه در چند دهه اخیر، به اقتضای ضرورت های حکومتی، توجه نهادهای مذهبی به این موضوع با حمایت های گسترده روبه رو شد، اما آنچه در حیات عملی مردم انعکاس یافت، با آنچه انتظار می رفت، فاصله ای چشمگیر دارد. در مراکز علمی و آموزشی هم که در پی نظریه های روزآمد و موثرند، این موضوع حتی کمتر از آن نهادها، مورد عنایت جدی قرار گرفت. نوع زندگی فردی و اجتماعی مردم جامعه، آشکارا حاکی از فاصله قابل توجه با آن الگوهاست. به بیان دیگر، میان سیره ای که به دست داده می شود با سبک زندگی کنونی فاصله و تفاوت بسیار است و در عمل، نمی توان رد پایی از آن را در زندگی مردم ملاحظه کرد. این فاصله که در درجه نخست حاکی از

پژوهش نامه  
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۸

۹۲

۱. واژه سیره، گاه بر گفتار و سلوک رفتاری (امر واقع) فرد اطلاق می شود، مثل سیره رسول خدا ﷺ یا سیره خلفا که در ادبیات دینی برابر سنت است و گاه بر دانشی که به آن امر واقع می پردازد اطلاق می گردد. مراد از سیره، گاه دانش سیره یا مطالعات مربوط به سیره است. بنابراین، سیره هم بر موضوع و هم بر پژوهش های آن اطلاق می شود و در معنای دوم خود دو سطح دارد که بدان اشاره خواهد شد.

ناکارآمدی مطالعات سیره‌ای است، این پرسش را پیش می‌کشد که چرا سیره و سنت پیشوایان نتوانسته است جایی در حیات اجتماعی و علمی بگشاید؟ آیا سیره پیشوایان از زمان امروزی فاصله داشت یا نوع تصویری که از سیره آنان به دست داده می‌شود، موجب چنین پیامدهایی گردیده است؟ به گمان نویسنده، این مسأله‌ای بنیادی است و برای حل آن باید اندیشه کرد. بنابراین، در این مقاله با این فرضیه که عمده‌ترین مشکل سیره پژوهی، ناسازگاری آن با نگره‌ها و انگاره‌های نسل نو از یک سو و ناهمسویی آن با تحول پرشتاب، روزافزون و تهدیدآمیز دنیای معاصر (تافلر، شوک آینده، ۲۱)، از سوی دیگر است، کوشش می‌شود تا با روش تحلیلی انتقادی به تبیین مسأله پردازیم. البته گرچه آثار ارزشمندی در حوزه سیره، در دست است، با رویکرد این مقاله که نگاهی از بیرون به سیره پژوهی و در اصطلاح با رویکرد فلسفی و عقلانی است، اثری به دست نیامد.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۸

۹۳

### ب: گستره و اهمیت سیره در ذهنیت مسلمانان

سیره/ سنت در میان عامه مسلمانان (اهل سنت)، از دو جهت از آنچه در ذهنیت شیعه وجود دارد، محدودتر است: نخست آنکه سیره صرفاً به کنش گفتاری، رفتاری و تقریری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منحصر است و دو دیگر آنکه، سیره تنها شامل کارهای پیامبرانه آن حضرت می‌شود (هروی، ۲۵۵/۲). علما، کنش‌های رسول خدا را حداقل در دو طبقه نبوی و عادی/ عرفی قرار داده<sup>۱</sup> و در خصوص طبقه اخیر، بر پایه دسته‌ای از احادیث و روایات (مسلم، حدیث ۴۳۵۷، ۴۳۵۸؛ ابویعلی، ۵۱/۸)، در امور دنیایی و عرفی، آن حضرت را همچون دیگر آدمیان و در بعضی مواقع، فروتر از آنان تلقی کرده‌اند (قاضی عبدالجبار، ۳۸۷). به نظر ابن خلدون، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث شد تا آدمیان را به شریعت آگاه کند، نه آنکه به علم طب پردازد یا امور عادی را به بشر بیاموزد؛ بنابراین، آن حضرت در امور دنیایی هم چون دیگر آدمیان است (ابن خلدون، ۱/ ۴۹۴). این نگرش در میان معاصران نیز حامیانی دارد (عمر فروخ، ۸۳)؛ گرچه محققان شیعی روایات حاکی از این رویکرد را نقد و حتی به صورت جدی انکار کرده‌اند (عسکری، ۲۲۱/۲؛ عاملی، ۱۶۹). اما در زندگی عامه شیعه، سیره از حیث اصل و دامنه، از جهت اعتبار در سطحی گسترده‌تر مطرح است، زیرا سیره را علاوه بر سبک زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به شیوه زندگی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز تسری

۱. عوده در کتاب التشریح الجنائی، اقوال و افعال پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در چهار دسته جای می‌دهد: بشری، خصائصی، خبروی شخصی و تشریحی (رک. عوده، ۱۷۶/۱-۱۷۸).

داده است. بنابراین، زیست مسلمانی را باید در پیروی از سیره انمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جست و جو کرد و حتی از طریق آن به شناخت قرآن کریم و سنت نبوی پرداخت. در نظر شیعه، طبقه‌بندی کنش‌ها ناموجه است و به همین سبب، همه آنچه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و انمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گفته‌اند یا از ایشان دیده شده، الگوی زیست دینی و بایسته‌شناسایی و پیروی است.

روشن است که وقتی سخن از سیره و سیره پژوهی به میان می‌آید،<sup>۱</sup> دو معنای متمایز از هم لحاظ می‌شود: در یک معنا، مساوی با شرح حال نویسی، یعنی جست و جو در زندگی و احوال افراد است، چنان‌که راویان کهن با همین رویکرد و عنوان به تألیف کتاب‌هایی در این باب دست زده‌اند (رک. جعفریان، ۲۴، ۲۵). ابن هشام در کار سیره نویسی، به بیان زیست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداخته و از جزئیات زندگی آن حضرت سخن به میان آورده است، اما این رهیافت، با آنچه در ادبیات رایج تشریح و سلوک دینی اراده می‌شود، تفاوت دارد: از گزارش‌های موجود از صدر اسلام بر نمی‌آید که مسلمانان کوششی برای تطبیق زندگی خود با الگوی رفتاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آمده باشند. بلکه گویا به سنت ایشان به مثابه معیار نگریسته می‌شد: در ماجرای شورای اصحاب پس از قتل عمر، عبدالرحمن بن عوف از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و عثمان برای پیروی از سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سیره دو خلیفه پیشین (طبری، ۳/ ۲۹۷) تعهد خواست و پاسخ امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به ولید بن عتبه مبنی بر حرکت بر مبنای سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (ابن اعثم کوفی، ۲۱/ ۵)، نشان می‌دهد که معنای عام سیره مد نظر آنان نبوده، بلکه سیره خاص/ کنش مبنایی را در نظر داشته‌اند، پس باید به معنای دومی از سیره که برابر با سنت است توجه داشت.

مطهری که معمولاً با مذاقه‌ها و تأملات عالمانه به ریشه مسائل و قضایا می‌پردازد، در خصوص سیره نیز به درستی اشاره می‌کند: آنچه پیشینیان و عموم معاصران از سیره اراده می‌کنند، سیر و حرکت یا چگونگی زندگی، اتفاقات و قضایای رخ داده در حیات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا امام عَلَيْهِ السَّلَامُ است، ولی این معنای درستی نیست،<sup>۲</sup> زیرا میان سیر و سیره تفاوت است و منظور از سیره، سبک، روش و شیوه حرکت است، بنابراین، توجه به همه جزئیات رخ داده در زندگی یک شخص، سیره نیست، بلکه همگی آن جزئیات به مثابه نمایشگر سیره آن شخص قابل مطالعه است و می‌توان سیره / منش یا قواعد رفتاری او را، از طریق آنها شناسایی کرد. به نوشته او: سیره در زبان عربی، از

۱. سیره پژوهی نه به عنوان فعلیتی علمی، بلکه همچون کوششی دینی و به منظور ارائه الگوی زیستی مد نظر است.

۲. البته باید گفت این معنایی نیست که در ادبیات دینی مد نظر است، هر چند در حوزه علوم تاریخی، کاربردی پذیرفته شده باشد.

ماده سیر است و سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، سیره یعنی نوع راه رفتن. سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی دلالت می‌کند بر نوع. مثلا جلسه یعنی نشستن و جلسه یعنی نوع نشستن و این نکته دقیقی است. سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است شناخت سبک رفتار پیغمبر است. آنها که سیره نوشته‌اند، رفتار پیغمبر را نوشته‌اند (مطهری، سیری در سیره نبوی، ۴۷-۴۸).

سیره‌ای که به عنوان منبع رفتارشناسی دینی قلمداد می‌شود، سبک، نوع و متد رفتار است که طبعاً شناخت آن، ساز و کار ویژه‌ای می‌طلبد و به آسانی از عهده هر کسی بر نمی‌آید. مثلا پیامبر ﷺ در مواجهه با دشمن چه سیره‌ای داشت؟ یا در تربیت فرزند از ائمه علیهم‌السلام چه الگوی رفتاری می‌توان به دست آورد؟ آیا آنان در اصلاح امور انسانی، به اصالت فرد باور داشتند یا اصالت جامعه؟ آیا در داد و ستدهای اجتماعی به انسانیت شخص نظر می‌کردند یا مسلمانی او یا عربیت؟ مسائلی از این گونه می‌تواند کاشف از الگوهای شایان پیروی باشد.

سیره بی‌تردید یکی از منابع مهم زیست مسلمانی است و چنان که در قرآن کریم تصریح شده، پیامبر ﷺ الگویی نیکو برای مسلمانان است.<sup>۱</sup> گر چه قرآن اصلی‌ترین منبع اسلامی است، اما چون امکان برداشت‌ها و تفاسیر گوناگون از آن می‌رود، پای سیره به میان می‌آید و از همین منظر است که وقتی امام علی علیه‌السلام ابن عباس را برای گفت و گو نزد خوارج می‌فرستد، از او می‌خواهد تا با آنان، به قرآن مناظره نکند، زیرا قرآن حامل احتمال‌ها و برداشت‌های بسیار است، بلکه با آنان به سنت احتجاج کند که گریزی از آن نیست (نهج البلاغه، نامه ۷۷، ۴۶۵). در نگاه شیعی، سنت ائمه علیهم‌السلام نیز چنین است و به تعبیر دیگر، تمام معصومان از چنین موقعیتی برخوردارند (مطهری، سیری در سیره نبوی، ۳۱) و طبعاً بدون الگوگیری از آنان نمی‌توان به لباس مسلمانی درآمد. این قاعده و معیار، زمان و مکان نمی‌شناسد و بر همه ادوار و همه آدمیان حاکمیت دارد. با این فرض، این مسأله پیش می‌آید که چرا نوع زیست حاکم بر حیات مسلمانی، نتوانسته مطلوبیتی قابل دفاع داشته باشد؟

### پ: تحول فزاینده زمانه و روند ناپایداری

چالش کارآمدی سیره، در ادوار پیش از اسلام چندان به چشم نمی‌آمد یا اصلاً مطرح شدنی نبود، زیرا به رغم گذر زمانی طولانی، تحولی بنیادی در حیات فردی و اجتماعی مسلمانان رخ

۱. و لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة. احزاب: ۲۱.

نمی‌نمود؛ مسلمانان قرون اولیه با آنان که در قرون میانی می‌زیستند و هر دوی آنها با مردم سده-های اخیرچندان تفاوتی نداشتند، با این که کم و بیش، پیشرفت‌هایی را تجربه کرده بودند.<sup>۱</sup> به تعبیر تافلر (رک. تافلر، موج سوم، ۲۰ به بعد)، همه دوره‌های چند هزارساله زندگی بشر تا قرن هجدهم میلادی، با موج واحدی پیش آمده است و این رابطه میان انسان و طبیعت بود که تمدن/نوع زیستی را ایجاد می‌کرد (رک. لنسکی، ۲۳۹ به بعد). در چنین زمینه‌ای از زندگی، اصل ثبات، سنت و فرهنگ پیشینیان اهمیت خاص داشت. نگاهی به نوع زندگی مردم، آشکارا از این ویژگی‌ها پرده برمی‌دارد. خانه‌های پدری، آداب و سنت‌ها اجتماعی، فرهنگ عرفی و دیگر مسائل، همگی حاکی از ثبات و استواری و دیرپایی است، اما این وضعیت سرنوشت محتوم و همیشگی حیات انسانی نبود، بلکه در دو سه قرن اخیر موج‌های بزرگ و همه جانبه‌ای جهانیان را در نوردید، هر چند که این امواج در دنیای اسلام اندکی سطحی‌تر و کندتر بود، جوامع اسلامی را با تجربه‌های جدیدی رو به رو کرد.

ورود صنعت و ماشین به زندگی بشرکه زاده اعتماد بشر به یافته‌های خویش و دست یابی به علوم تجربی یا علوم نوین<sup>۲</sup> و از آن مهم‌تر توجه به پدیده «انسان به مثابه یک اصل کانونی» بود، منشأ تحولی بزرگ در جهان انسانی گردید. این دگرگونی، جدای از آنکه در نوع تولید و مصرف اثری چشمگیر نهاد، بر اقتصاد، فرهنگ، خانواده، اجتماع، شهر، اخلاق و حتی باورها و از همه مهم‌تر بر رویکردها و روش‌های کشف و معرفت نیز تأثیری جدی گذاشت. این موج به زودی توانست بر وضع پیشین غالب گردد و ارتباط انسان با طبیعت به مداخله انسان در طبیعت تغییر یابد. در این دوره نزدیک به سه قرن، نهضت‌های بزرگی نیز در حوزه‌های علمی و فکری پدید آمد که عمومی شدن آموزش و رسمیت یابی علوم حسی و تغییر نوع زندگی، به نگاه متفاوت به جهان، هستی، انسان و خویشتن منجر شد و این موج تا نیمه اول قرن بیستم همچنان پیشتاز بود (دورانت، ۸۹-۹۵؛ لنسکی، ۳۴۳ به بعد)، ولی چیزی نگذشت که جهان انسانی از آن مرحله نیز گذر کرد و پا درصحنه‌ای جدید نهاد که برخی از آن به عصر الکترونیک یاد می‌کنند. تحول پدید

۱. رک. کار، فصل ۵، ص ۱۶۰ به بعد. نویسنده در این فصل به مقوله تاریخ به منزله پیشرفت می‌پردازد و در آن از مسیر رو به پیش تاریخ سخن به میان می‌آورد، چنان که ویل دورانت در فصلی با عنوان «آیا پیشرفت وهم و پندار است» به حرکت رو به پیش جهان انسانی و دست یافت‌های او اشاره می‌کند (رک. دورانت، ۲۷۳-۲۹۲).

۲. پیدایی و رشد علوم نوین، خود منشأ معارضه‌هایی با دیانت و تا حدی طرد یا نقد داده‌های آن گردید (رک. استیس، فصل ۵، ۱۲۱ به بعد).

آمده در دنیای امروز آن چنان پر شتاب، شدید، فراگیر و عمیق است که همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است، به گونه‌ای که در آن ابعاد، وجوه تشابه با گذشته بسی اندک است. همین تحول سریع و پر شتاب موجب شد تا آنان که به طبقه‌بندی ادوار تاریخی روی دارند، بر این نکته انگشت نهند: انسان امروزی به ویژه در دهه‌ها یا نیم قرن اخیر، با دگرگونی‌هایی که تجربه کرده، عملاً تاریخی نوین را رقم زده و دیگر عنوان «تاریخ معاصر» برای آن کارساز نیست. آثار این تحول، دیگر از بازه‌های یک قرن یا نیم قرن یا ربع قرن و حتی یک سال گذشته و به زندگی روزانه و لحظه‌ای کشیده است روی آوردن آدمیان به غذاهای زود پخت، ساندویچی، ظروف یک بار مصرف و حتی خانه‌های آماده و قابل تغییر، آهسته آهسته به تعامل افراد و خانواده‌ها نیز سرایت کرد.<sup>۱</sup> این تحول، فراتر از تغییر خودخواسته اجتماعی<sup>۲</sup> و نیز دگرگونی‌های معطوف به اطلاعات و دانش/ تجربه نسل‌های جدیدتر است و خود نیازمند توجه و تأمل است،<sup>۳</sup> تمدنی است که در آن، انسان، مسائل و نگاه جدیدی پدید آورده و همه ریشه‌های کهن از قبیل مذهب و ملت و اجتماع و خانواده و حرفه در اثر توفان حرکت پرشتاب تغییر، به لرزه در آمده‌اند (تافلر، شوک آینده، ۳۵).

دنیای امروز، به سبب رهاوردهای مختلفی که بسا در مجموع مفید نباشد (رک. انیشتین، ۱۲۷)، دنیای متفاوتی شده است (رک. تافلر، موج سوم، فصل ۱۱ / ۱۷۵ به بعد). شاید بتوان مهم‌ترین مشخصه آن را فردگرایی، خود بودگی،<sup>۴</sup> و خودبسندگی یا خود بسنده پنداری انسانی از یک سو و پیدایی رویکرد انتقادی از سوی دیگر دانست. این صفات، در وجود بسیاری از افراد، به ویژه نسلی که تعلقات تربیتی کمتری نسبت به دوره پیشین دارد، ریشه دوانده و او را تا حد بالایی به سوی بی‌نیازی از داده‌ها / یافته‌های پیشینیان کشانده و بی‌آنکه لزوماً قصد و غرضی ناسازگارانه با ارزش‌ها و سنت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشد، در جدال با گذشته و حتی دیگر اتکایی بر آمده است، با این تصور که خود به سطحی از بلوغ و توانایی رسیده که می‌تواند گلیم

۱. رک. تافلر، شوک آینده، فصل ۴، ۴۹ تا ۷۳. در این فصل که نویسنده آن را در بخش ناپایداری‌ها و با عنوان «همه چیز؛ از

جامعه دورافکن» پی گرفته است، زندگی متفاوت دنیای امروز را به خوبی توصیف می‌کند که چگونه آدمیان از ثبات‌ها گریزانند.

۲. گی روشه در کتاب تغییرات اجتماعی، به خوبی به این مسأله پرداخته است، به ویژه در فصل ۳، ۱۴۹-۲۰۰.

۳. مطهری در نوشته‌های خویش از جمله در ده گفتار، ذیل عنوان رهبری نسل جوان به این مقوله توجه خوبی کرده است (رک. ۲۰۵-۲۲۲).

۴. پل تیلیش در کتاب شجاعت بودن، بحث‌های تأمل برانگیزی در خصوص خودبودگی/ فردشده‌گی دارد (فصل ۵، ۱۱۵۶ به بعد).

خویش از آب بیرون کشیده و زندگی سعادت‌مندان‌ای را طراحی کند. او در این میدان، ناخواسته با حاملان و حامیان سنت در افتاده و آنها را عقب مانده یا بازمانده از تحول زمانه شناسایی می‌کند، تا جایی که دیگر بحث سازگاری امور متغیر با ثوابت دینی مسأله اصلی نیست، بلکه فواتر از آن، بی‌ثباتی خواهی یا تنوع طلبی آدمیان است که به مثابه مسأله‌ای تأمل برانگیز پدیدار شده است. برای درک بهتر مدعا، بیان چند ویژگی نسل جدید که در ربط با سیره پژوهی اهمیت دارد، شایسته ذکر است:

۱. بیش از هر نکته دیگری، نوحواهی و ثبات‌گریزی است که برای پژوهندگان علوم فرهنگی یا انسانی تأمل برانگیز است: در گذشته حفظ اصالت‌های فرهنگی یا خانوادگی به عنوان یکی از ارزش‌های پذیرفته به شمار می‌آمد و کمتر کسی درباره آن به چند و چون می‌پرداخت. در متون فقهی، وقتی از عدالت امام سخن به میان می‌آمد، عمل خلاف مروت را به عنوان مخل آن می‌شمردند و در توضیح آن، از عملی یاد می‌کردند که با عرف جامعه همسازی ندارد (کاشف الغطاء، ۲/ ۲۶۲). اساساً رفتار ناسازگار با عرف را نوعی ظلم به شمار می‌آوردند، اما امروزه، کوشش برای متفاوت بودن و نوحواهی، در سطوح مختلفی دیده می‌شود و همین ویژگی آدمی را از امور ثابت و تغییرناپذیر می‌گریزند و آموزه‌های دینی و مذهبی از آن جمله‌اند. بنابراین، باید در این باره اندیشید که سیره به عنوان امری ثابت چگونه می‌تواند یا می‌باید در این زمانه پذیرفته شود.

۲. گذشته‌گریزی و سنت‌ستیزی، دیگر مشخصه جهان امروز است. نسل کنونی که هر لحظه با دگرگونی‌ها و دستاوردهای خیره‌کننده مواجه است، به آسانی خود را در مقابل گذشته‌های تاریخی و سنت‌های توصیه شده، پاسخگو و تسلیم نمی‌داند؛ او با همه چیز سر ستیز دارد، زیرا بر این گمان است که آنچه هم اکنون به او ارزانی شده، از آنچه تاکنون در اختیار وی نهاده‌اند، کارآمدتر و نیز ارزشمندتر است، از آن رو که رفاه و آسایش او را بیشتر و بهتر تأمین می‌کند. البته این سخن به معنای تأیید رویکرد او نیست، بلکه توجه دادن به امر متفاوت است.

۳. پیشرفت‌های علمی و اهتمام به تجارب بشری و گره‌گشایی‌هایی که در عرصه‌های مختلف از این زاویه صورت گرفت (رک. لسنکی، ۳۴۵-۳۴۶)، نوعی اعتماد به خویشتن/ خود باوری یا غرور خودمحورانه‌ای را در او پدید آورد که گویی دیگر نیازی به آموزه‌های دیگران ندارد و حتی الگوهای قبلی که مقلدان به آنها دل داشتند، به الگوهای جدید با تقلید نوین جایگزین شده است. به تعبیر توین بی، در جوامع گذشته، تقلید معطوف به نسل قبل و نیاکان در گذشته است... و قواعد مربوط به آداب و رسوم و نیز خود جامعه ثابت و بی‌تغییر باقی می‌ماند... [ولی] در



جوامعی که در روند متمدن شدن هستند، تقلید معطوف به شخصیت‌های خلاق است که به سبب پیشتازی‌شان دنباله‌روانی دارند (بی‌یشتت، ۳۰۱).

نسل کنونی همه چیز را خود بر می‌گزیند و به اختیار داری و اراده‌گری خود بها می‌دهد و در این مسیر تا آنجا پیش رفته که گویی می‌تواند خود همه مسائل خویش را حل و فصل کند.<sup>۱</sup>

بر این گزاره‌ها، جنبش‌های فکری در قرون اخیر پدید آمده است؛ جنبش‌هایی که به همگان امکان اعتراض، انتقاد، اعلام حضور و فعالیت داده و انسان به پشتوانه شبکه‌های ارتباطی، می‌تواند به اظهار نظر و نقش آفرینی بپردازد. در این دنیای متحول و دگرگونی‌پذیر، چگونه باید از گذشته، سنت، ثوابت و اصول پایه سخن به میان آورد؟

### ت: سیطره سنت سیره پژوهی کهن

اهمیت و گستره سیره در ذهن مسلمانان، با خوانش سنتی، در کنار تحول پرشتاب همه جانبه حیات انسانی، سخت چالش برانگیز است و حداقل نتیجه آن، گریزانیدن نسل جدید از سایه دین و مذهب و اعتماد به آن است. سه پیش فرض مهم در بنیادها و معیارهای سیره پژوهی، نیازمند پردازش با ادبیات متفاوت و هم‌خوان با مسائل امروزی است. البته که طرح این مباحث به معنای الغای این اصول یا نادیده انگاشتن اهمیت آنها نیست، بلکه مراد آن است که در توصیف، تحلیل و تبیین سیره نباید به آنها پناه برد و مخاطب را به حکم آن اصول به پذیرش وا داشت، بلکه بایسته است که با اعتقاد به آن اصول، به منطق همه‌پذیر و روزآمد / امروزی و منطبق با عقل فرهنگی روی آورد. سه اصل مهم در طلوع مطالعات سیره‌ای قرار دارد: یکی عصمت پیامبر و پیشوایان مذهبی است که البته در چند و چون و جزئیات آن آرائی بیان شده است (حلی، ۳۷)؛ نیز رک. مطهری، امامت و رهبری، ۱۷۴-۱۷۸)؛ دیگر علم و فضل آن بزرگواران است که ریشه در عالم غیب دارد و سه دیگر، برگزیدگی آنان از طرف خداوند یا منصوص بودن مقام ایشان است (رک. شیخ طوسی، الاقتصاد فی ما يتعلق بالاعتقاد، ۳۰۵؛ خواجه نصیر طوسی، تجرید الاعتقاد، ۲۲۲؛ صدوق، ۹۶). هر سه اصل، بدون تردید مورد قبول و باور انسان مسلمان / شیعی است، اما برای اذهان آدمیان کنونی، بخصوص نسل جدیدتر به ارائه‌ای متفاوت نیاز است تا بتواند به عنوان الگویی قابل پیروی به آنان نظر کند.

۱. رک. ملکیان، مولفه‌های انسان مدرن (مجله بازتاب اندیشه). نویسنده در این مقاله به ده ویژگی انسان مدرن اشاره می‌کند که نشان‌دهنده تفاوت این انسان با انسان‌های ماقبل، از نظر سطح زندگی، رویکردها و خواسته‌هاست.

انسان معاصر، برای اصولی چون عدالت، شایسته سالاری، رقابت پذیری و انتخاب‌گری در زندگی، حساسی ویژه گشوده و به عنوان آرمانی جدی به این معانی می‌نگرد و بر اساس آنها اعتبار باورها و نیز جایگاه آدمیان را می‌سنجد و طبعاً به آسانی تسلیم امور ناهمسو با آنها نمی‌شود. در چنین حالتی چگونه می‌توان عمل کرد و باید با چه شیوه‌هایی به بیان سیره پرداخت؟ چگونه باید به سیره پژوهی و عرضه آن روی کرد تا همچنان بتواند برآورنده نیاز باشد؟ به تعبیر تیلیش، آنچه نظامی از عقاید و ارزش‌ها را سست بنیان و پوچ می‌کند، همواره شک فردی نیست، بلکه این حقیقت نیز هست که این ارزش‌ها دیگر در شکل قدرت خلاق خود درک نمی‌شوند؛ یعنی قدرت بیان وضعیت بشری و پاسخگویی به پرسش‌های وجودی (اگزستانسیل) انسان را ندارند (تیلیش، ۸۷).

برای روشن‌تر شدن مدعا، توجه به این مسأله مهم است که کوشش سیره‌پژوهان عموماً بر کشف هر چه دقیق‌تر سبک و سلوک زندگی پیشوایان معصوم استوار است و اینکه چگونه با همه ابزارها و قواعد علمی به حقیقت آن راه یابند (سبحانی، ۵۳-۶۹). در باور آنان، همین قدر برای طراحی الگوی زیست دینی کفایت می‌کند، اما این حد تعریف شده برای الگونمایی سیره محور کافی نیست و این مقاله، طرح دیگری از سیره پژوهی را فرایش می‌گذارد که مبتنی بر دو پایه یا دارای دو رویه است: رویه‌ای که ریشه در گذشته و زندگی دینی پیشوایان دارد، چنان که عموم سیره نگاران به دنبال آن بودند و رویه دیگر، به حال و جامعه یا اقتضانات زمانه پیروان باز می‌گردد و ناظر به نیازهای آنان است؛ چنان که در حوزه فقه پژوهی و استنباط احکام شرعی، امام خمینی زمان و مکان را در اجتهاد دارای نقش دانسته بود (خمینی، ۲۱۷/۲۱ و ۲۸۴). اگر سیره، متناسب با رویه دوم، پژوهش و ارائه نشود، نمی‌تواند در عرصه حیات آدمی نقش آفرینی کند و چالش کارآمدی سیره پژوهی‌ها از همین زاویه پدید آمده است.

آنچه اذهان دینداران و باورمندان را به خود مشغول می‌دارد آن است که سنت‌های باقی مانده از گذشته، به ویژه آنچه از سوی پیامبران و پیشوایان دینی و مذهبی، به عنوان پیام آوران الهی و برای راهنمایی و هدایت بشر آورده شده و در نگاه پیروان، برای همه زمان‌ها و مکان‌ها معتبر است (رک. کیویت، فصل ۴، ۱۰۷ به بعد)، در این عهد تحول و تغییر چه جایگاهی می‌یابد و چگونه می‌توان در کارآمدنمایی آنها عمل کرد (رک. باربور، ۱۴۳ به بعد).

بی‌تردید باور به مانایی و پاسخگویی آورده‌های پیشوایان، پایه‌ای‌ترین اصل پذیرفته شده و غیرقابل انکار است و همیشه بر ذهن پیروان سایه افکننده و بسیار مواقع، برای حفظ و پاسداشت آن هزینه‌های سنگین داده‌اند و اساساً سخنی جز آن، به معنای نفی فلسفه رسالت و مذهب است، اما

در تعارض میان آنها با تحولات زمانه چه باید کرد؟ به بیان دیگر، در کشاکش میان آنچه باوری است و آنچه با آن رو به رو هستید، باید چاره‌ای جست و جو کرد و راهکاری نشان داد تا جهان امروز در بین دو راهی انتخاب یکی از آن دو نماند، زیرا که بی‌گمان نخستین قربانی خواهد شد.

در این تعارض و کشاکش پیش آمده، صورت بندی مجدد ضروری است: یکی نشان دادن حقیقت وجودی انسان (رک. مطهری، گفتارهای معنوی، گفتار نهم با عنوان: معیار انسانیت چیست، ۲۰۹-۲۲۵) و ثبات ارزش‌های انسانی در همه ادوار و نیاز انسان‌ها به آنها، چنان که مطهری در نوشته‌های خویش به جد در پی آن بود تا نشان دهد با همه تغییرات و پیدایی اقتضائات، نباید از اصول کمالی انسان غفلت داشت (رک. مطهری، فطرت، به ویژه ۴۱-۶۴؛ ۲۰۱-۲۳۶؛ همو، اسلام و مقتضیات زمان، ۲/ ۷۷). دو دیگر، عرضه دین با منطقی و ادبیات متناسب با نیازهای زمانه است تا مقبول مخاطبان قرار گیرد و نسبت به آنها احساس نیاز کنند (رک. مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ۱/ ۵۸-۶۵) و سوم، به روز رسانی سیره و سنت و نرمش در موارد قابل انعطاف است، اما همه اینها مشروط بر آن است که آنچه عرضه می‌شود، به درستی همانی باشد که در گفتار و رفتار پیشوایان محقق شده بود و این خود مقوله‌ای پر دامنه و نیازمند پژوهش است و بی‌توجهی به آن، خسارت‌های جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

### ث: بایسته‌های سیره پژوهی برای کارآمدی

در سیره پژوهی، به معنای شرح حال نویسی و به عنوان شاخه‌ای از تاریخ، همه توان و کوشش بر کشف نکته‌هایی است که در حیات شخصیتی رخ داده است. در معنای سبک زندگی و نوع یا روش زندگی پیشوایان، ذکر جزئیات نمی‌تواند اکتفا کننده باشد، بلکه شناسایی اصول و قواعد کنشگری آنان در نظر است: اصولی چون احترام به دیگران، عدم برتری جویی، عدالت، صداقت، برابری، فروتنی، دستگیری از دیگران، عدم خدعه، عدم تجاوز، شور و مشورت، نیک خواهی برای آدمیان و مانند اینها، همه آن معانی است که در دنیای امروز و در هر زمان دیگر به کار آمده و توصیه می‌شود.

بی‌گمان استخراج این سبک/متد زندگی، صرفاً بر پایه روایات و گزارش‌های در اختیار، نه ممکن است و نه پذیرفتنی. ممکن نیست، از آن رو که در تراث اسلامی، روایاتی هست که بدون

هیچ تردیدی جزو مجعولات است<sup>۱</sup> و راهی جر پالایش سنت روایی وجود ندارد، چنان که در دیگر ادیان و مذاهب همچین تغییراتی رخ داده بود. به قول قابل تأمل عین القضاة همدانی، علی التحقیق زنارداری و بت پرستی و دیگر مذاهب شنیع همه را اصلی لابد که باید بود، یا نه اگر کسی به روزگار ما گوید زنارداری و آتش پرستی و بت پرستی حق است، کسی باور نکند و ما می‌دانیم که در آن روزگار که این پیدا شد اگر همین بوده‌است و بس، هیچکس این مذهب را اتباع نکردی، چون اتباع کردند و عالمی در این بودند و چند سالی است که آتش می‌پرستیدند، دانیم که اصل این، کاری دیگر بوده‌است که به ما نرسیده است. سپس ادامه می‌دهد: و هم چنان که مسلمانی ذره ذره مندرس می‌شود، این مذاهب نیز ذره ذره مندرس شده‌است و اکنون بت پرستی و زنار داری و آتش پرستی مجرد مانده است (همدانی، ۱/۲-۳۰۱-۳۰۲). دین و منابع آن همیشه در معرض خطر و به تعبیر عین القضاة همدانی، «اندراس» قرار دارند.

بی‌گمان همه آنچه به عنوان سیره/ گفتار و رفتار پیشوایان در دست ماست، همان‌ها نیست که از آنان صادر شده‌است.<sup>۲</sup> سیره آنان در گذر زمان به ناراستی‌ها و مجعولات گرفتار و دچار آفت-هایی گردیده است (رک. شوشتری، ج ۱، باب اول؛ محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۱۱؛ همو، مشرعة بحارالانوار، ۱/ ۹-۱۴). به همین سبب، برای عرضه صحیح سیره و پژوهش در آن باب، بایسته‌ترین و فوری‌ترین کار آن است که مسیر رسیدن به پیام‌های حقیقی و آموزه‌های درست پیشوایان به خوبی هموار و از هرگونه ناراستی‌ها پالوده شود.

سیره پژوهی صرفاً انعکاس آنچه در گذشته رخ داده است و به بر ساخته‌هایی در آمیخته نیست، بلکه مهم‌تر از آن، کشف الگوهای زیستی و سبک قواعد زندگی پیشوایان متناسب با نیازهای زمانه و عرضه مطلوب آن به معاصران است و این خود نیازمند شناخت آن الگوها از یک طرف، فهم نیازها و تحولات زمانه و دگرگونی‌های فرهنگ از طرف دیگر و منطبق عرضه صحیح از طرف سوم است. این دانش در طبقه بندی علوم، به عنوان دانشی میان رشته‌ای یا چند رشته‌ای باید پیگیری شود.

۱. سیوطی در کتابی، به دروغ‌هایی که داستان سرایان به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند، حتی در زمان خود آن حضرت، پرداخته است (رک.: تحذیر الخواص، ۴۳).

۲. فخر رازی در باره احادیث می‌گوید: آنچه منقول است حاوی خطاهای بسیار است، به همین سبب نمی‌تواند مستند استواری برای دین شناسی باشد (رک. المحصول، ۱۶۸/۲-۱۶۹).

## ج: نتیجه

سیره به عنوان منبع اتخاذ الگوی دینی/ سبک زندگی اسلامی، از دیر باز مورد توجه پژوهشگران و عامه مسلمانان قرار داشته است و این پدیده در سال‌های اخیر بیشتر مورد عنایت قرار گرفته است. گذشته از گفت و گوهایی که درباره راه و روش و چگونگی سیره پژوهی یا اهمیت آن وجود دارد، اصل و جایگاه آن در دوره معاصر با چالشی جدی در کارآمدی مواجه شده است و این در نگاهی به مطالبات/ اقتضانات زمانه شکل ملموس‌تری می‌یابد. دنیای امروز که به حکم تحول پرشتاب، انسان‌ها را به سوی بی‌ثباتی و گرایش به نوحواهی کشانده، نوعی از سیره پژوهی را طلب می‌کند که بتواند الگوی متناسب با آن را عرضه کند. از یک سو، اهمیت سیره است که بر اصل ثبات و پایداری استوار است، در زندگی مسلمانان و از سوی دیگر، شتاب بی‌وقفه تغییر در دنیای امروز و تحولاتی که تابع آن در اندیشه، عمل و نوع نگرش انسان کنونی پدید آمده است. همچنین، سنت‌های حاکم بر سیره پژوهی، پژوهشگر را با تنگنای کارآمدی یافته‌ها رو به رو می‌سازد. بنابراین، برای عبور از این تنگنا، باید در سیره پژوهی تجدید نظر کرد و چنان که برای استنباط حکم فقهی، بر نقش زمان و مکان تأکید شده است، در مطالعات سیره‌ای و استخراج الگوی زیستی نیز باید به مطالبه زمانه توجه کرد و سیره‌ای متناسب با نیازهای آن/ معطوف به علت غایی عرضه داشت.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۸

۱۰۳

## منابع

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه، صبحی صالح، بی‌نا، بیروت، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.
- ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، بیروت، دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱ه/۱۹۷۱م.
- ابی یعلی، احمد بن علی، مسند، بیروت، دارالمأمون للتراث، بی‌تا.
- استیس، والترترنس، دین و نگرش نوین، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷.
- انیشتین، آلبرت، حاصل عمر، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

- باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- بی یشتت، رابرت، شاخص های تمدن (چیستی تمدن، ترجمه سید محمد صالحی)، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸.
- تافلر، الوین، شوک آینده، ترجمه حشمت الله کامرانی، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۷۲.
- تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- تیلش، پل، شجاعت بودن، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۷۵.
- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام؛ سیره رسول خدا، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳.
- حلّی، حسن بن یوسف و فاضل مقداد و ابوالفتح بن مخدوم حسینی، الباب الحادی عشر مع شرحیه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب، تهران، موسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۶۵.
- خمینی، سیر روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
- دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۰.
- رازی، محمد بن عمر، المحصول فی علم الاصول، ریاض، بی نا، ۱۹۸۱.
- ریشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.
- سبحانی، جعفر، الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، قم، مؤسسة الامام الصادق، ۱۴۱۹.
- سیوطی، جلال الدین، تحذیر الخواص من اکاذیب القصاص، تحقیق محمد الصباغ، بیروت، المكتبة الاسلامی، ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م.
- شرفی، عبدالمجید، عصری سازی اندیشه دینی، ترجمه محمد امجد، تهران، نشر ناقد، ۱۳۸۲.
- شوشتری، محمد تقی، الاخبارالدخيلة، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۶۹.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، الاعتقادات، تحقیق عصام السید، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۸.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، خواجه نصیر، تجرید الاعتقاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶.

- عاملی، سید مرتضی، الصحیح، قم، دارالحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۵ش.
- عسکری، سیدمرتضی، احادیث ام المومنین عایشه، بی‌جا، التوحید للنشر، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- عمرفروخ، ابن‌عبدالله بن عبدالرحمن، تاریخ علوم عند العرب، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۹۰ق.
- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- قاضی عبدالجبار، احمدبن‌خلیل، شرح الاصول الخمسه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- کار، ای‌اچ، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۲۵۳۶.
- کاشف‌الغطاء، علی، النورالساطع فی الفقه النافع، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۶.
- کاهن، کلود، درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۰.
- کیویت، دان، دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶.
- لنسکی، گرهارد و جین لنسکی، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- محسنی، محمد آصف، بحوث فی علم الرجال، قم، مرکز المصطفی‌العالمی للترجمة و النشر، ۱۴۳۲ق/۱۳۸۹ش.
- محسنی، محمد آصف، مشرعة بحارالانوار، بیروت، مؤسسة العارف للطبوعات، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
- مسلم، ابن‌حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، محقق محمدسالم‌هاشم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۴م.
- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
- مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، انتشارات صدرا، چاپ نهم، ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، پنجم، ۱۳۶۷.
- مطهری، مرتضی، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
- مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱.
- ملکیان، مصطفی، مولفه‌های انسان مدرن، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۱۳۸۱، ۳۴.

- هروی، علی بن محمد، شرح الشفاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱.
- همدانی، عین القضاة، نامه ها، به اهتمام علیتقی منزوی و عقیف عسیران، تهران، افست گلشن، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

---

**پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع**

---

سال اول، شماره ۳،  
پاییز ۱۳۹۸

۱۰۶